

سینمای هند

نویسنده: خالد محمد



عاطفی همراه باشد و سلسله وقایع به طور زنجیره‌ای اوج گرفته در نهایت قهرمان داستان فرد یا افراد خبیث را با اسلحه یا بدون اسلحه از پای درآورد. البته باید افزود که در سالهای اخیر برخی از فیلمسازان ریسک کرده و از میزان رقص و آواز در فیلمها کاسته‌اند.

فیلمهای هندی به گونه‌ای کلیشه‌ای دارای قهرمان مرد، قهرمان زن و شخصیت شریر است و در خط فرعی داستان نیز معمولاً یک مادر، یک دلکک برای سبک کردن فضای فیلم، یک پسر بیچه یا نوجوان برای جلب توجه تماشاچیان نوجوان و

ترگس و راج کاپور در فیلم آواره (۱۹۵۱)، ساخته راج کاپور. دهه ۱۹۵۰ یکی از خلاقترین دوره‌های سینمای تجاری هند بود. ترگس و راج کاپور به صورت زوج طلایی سینمای هند درآمدند و تعدادی از فیلمهای آنها رکورد فروش را شکست.

ایالات متحده را الگو قرار داده و آن را مطابق با فرهنگ هندی بازسازی و آداپت کرده است، فرهنگی که بسیار حساس و در واقع غیرقابل انعطاف است. باین ترتیب تقریباً تمام فیلمهای هندی باید، با رقص و آواز و ملودرامهای شدید

سینما در هند جایی است برای کاستن از فشار زندگی پرملال روزانه و دروازه‌ای است به دنیای خیال. اکنون که سه ربع قرن از تولد سینما در هند میگذرد، هنوز فیلمهایی که در آن یک قهرمان خیرخواه علیه افراد شریر به مبارزه برخاسته و پیروز می‌شود تماشاچیان فراوان دارد. سینمای هند از آغاز پیدایش ایده‌ها، طرح‌ها و حتی متون کامل فیلم را از منابع خارجی گرفته و ارائه کرده است. این سینما بویژه تحت تأثیر هالیوود بوده و در انواع گوناگون فیلمسازی چون فیلمهای حماسی، ترسناک، عاشقانه و فیلمهای خانوادگی، سینمای

یک فرد مسیحی یا مسلمان وجود دارند. این چهارچوبی است که سینماگران بمبئی آنرا تنظیم کرده و فیلمسازان سایر مراکز یعنی مدرس و کلکته و پنجاب از آن پیروی می‌کنند.

پدر سینمای هند دوندیراج گوویند پالکه (۱۸۷۰ - ۱۹۴۴) در محلی بنام ناسیک نزدیک شهر بمبئی و در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. وی به لحاظ تعلیم و تربیت خانوادگیش ابتدا استاد زبان سنسکریت شد، اگرچه شوق فراوان به نقاشی، تئاتر و جادو داشت. زمانی که فیلمی درباره زندگی مسیح دید از امکانات این رسانه جدید به شگفتی آمد و حاصل این تجربه اولین فیلم سینمایی هند به نام راجه هریشچندرا (۱۹۱۳) شد که براساس اسطوره‌ای هندی ساخته شده و به تجلیل از اعمال پادشاهی می‌پرداخت که برای رسیدن به حقیقت، از نروت، سرزمین و خانواده‌اش می‌گذرد.

پالکه فیلمساز پرکار و مردم‌پسندی شد که آثارش در سراسر هندوستان دوست‌داران فراوان داشت. گروهی دیگر از فیلمسازان بنام دوره صامت سینمای هند عبارتند از: دیرن گنگولی که کمدی طنزآمیز بازگشت انگلستان (۱۹۲۱) را ساخت. دباکی کومار بوسه که فیلم مساجرائی شعله‌های جسم (۱۹۲۸) را کارگردانی کرد و چندولعل شاه که دختر ماشین‌نویس (۱۹۲۶) و چرا شوهران خیانت می‌کنند (۱۹۲۷) را ساخت. وی در هر دو فیلم به تمجید از قدرت و حیثیت زن پرداخته است.

فیلمسازی در هند هم تجارتهای است بزرگ و هم عرصه‌ای برای خلاقیت هنری. استودیوها و گروه‌های فیلمسازی نظیر تئاتر نوین کلکته، شرکت فیلمسازی پرابهات در پونا (نزدیک بمبئی) و سینمای ناطق بمبئی، همگی بدست سرمایه‌داران تأسیس شده و همانها بودند که فرهنگ سینمایی اولین دهه سینمای ناطق هند را در سالهای ۱۹۳۰ - ۱۹۴۰ شکل بخشیدند. یکی دیگر از استودیوهای بسیار فعال شرکت فیلمسازی امپریال است که اولین فیلم ناطق سینمای هند را بنام عالم آرا (۱۹۳۱) به زبان هندی ساخت که ترانه‌های چندی در آن خوانده می‌شد.

در دهه ۱۹۴۰ حدود ۱۰۰ فیلم در هند ساخته شد که این آمار در دهه ۱۹۵۰ به دو برابر رسید. امروز هند از نظر کمیّت تولید در ده سوم پس از ایالات متحده و ژاپن قرار دارد و از سال ۱۹۷۶ به این سو یکی از پیشگامان تولید سالانه فیلم در جهان بوده است. مثلاً در سال ۱۹۸۳ تعداد فیلم تولید شده در هندوستان ۷۶۳ فیلم است که بیشتر آنها در بمبئی و مدرس ساخته شده است. اکنون تعداد تولید سالانه بیش از ۹۰۰ فیلم است که با وجود رقبای قابل توجهی چون تلویزیون و ویدئو

گویای این واقعیت است که سینما در هند همچنان محبوبترین وسیله سرگرمی است.

اما سینمای هند صرفاً به سرگرمی نپرداخته و کوششهای اصیلی در جهت به نمایش گذاشتن اندیشه و احساس هندی از طریق این رسانه انجام داده است. سینمای هند موضوعاتی نظیر پیروزی خیر بر شر، حمایت از مظلوم، تأکید بر احترام به بزرگتر، و مطرح کردن درستکاری در دنیائی عمدتاً فاسد را بصورت دستورالعمل فیلمسازی درآورده است. بهترین نمونه چنین سینمایی متعلق به دهه ۱۹۵۰ است که اغلب آنرا دهه طلایی سینمای هند شمرده‌اند، در این دهه روحیه ملی سرشار از خوش بینی و امید بود و فیلمسازان نیز تحت تأثیر ملاحظات گیشه قرار نداشتند.

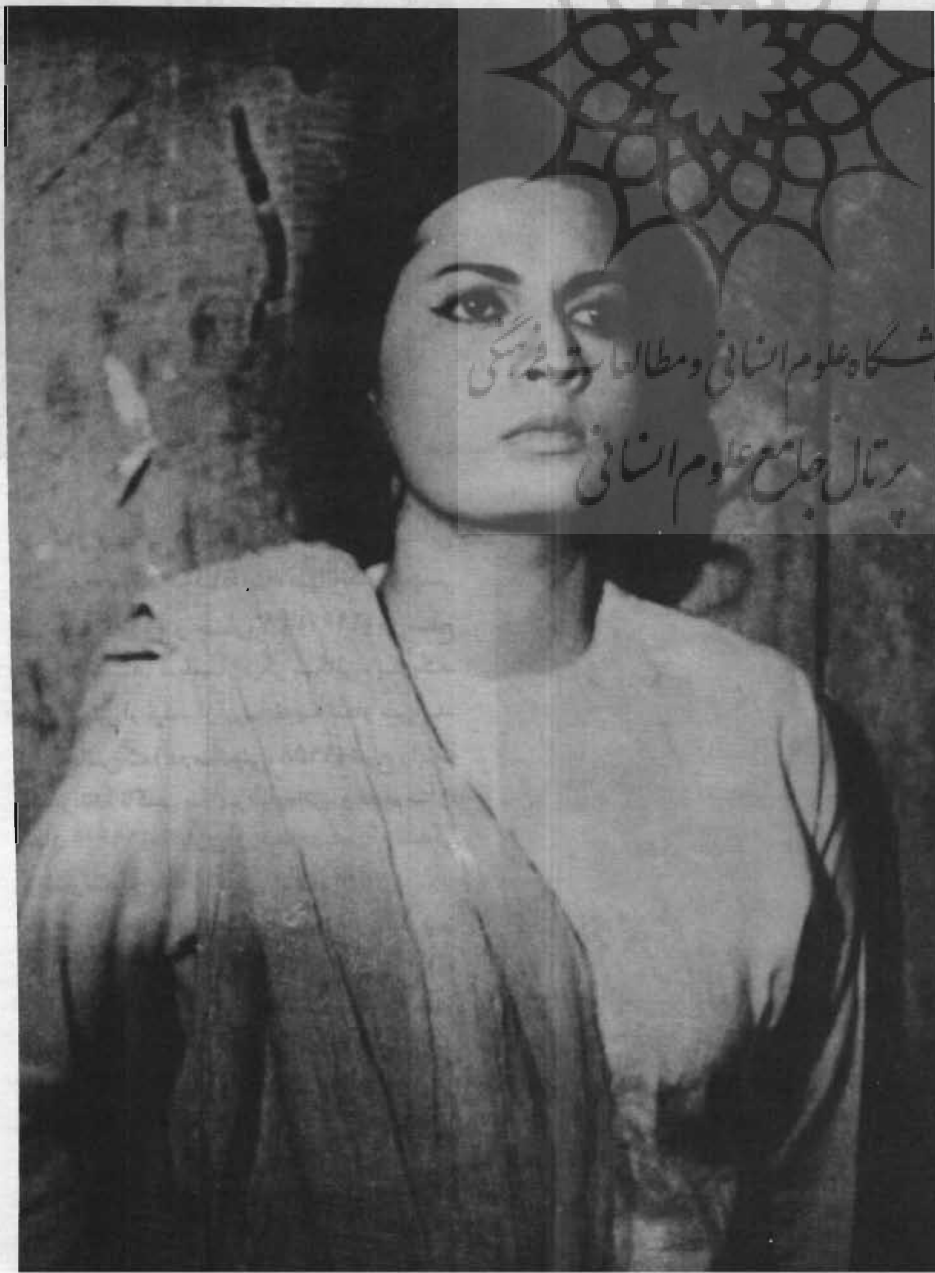
آثار سینمایی دهه ۱۹۵۰ در هند که بدست کارگردانانی چون شانتارام، راج کاپور، گورودوت و

گیتا، هنرپیشه هندی، در فیلم هوای گرم ساخته م. ساتھیو. این فیلم به خاطر پرداختی ظریف از مسائل جدائی طبقات در هند ستایش شد.

بیمال روی ساخته شد، امروزه غالباً شاهکار تلقی می‌شوند. قصه در فیلمهای این دوره اغلب درباره زندگی بومی و برگرفته از ادبیات اصیل هندی است. هدف این فیلمها مطرح کردن وجدان اجتماعی در پوششی از مساجراهای تفریحی و سرگرم کننده بود، کاری که واقعاً مشکل است. در این دوره همچنین گرایش به استفاده از تکنولوژی پیشرفته در سینما پیدا شد.

بعد از دهه ۱۹۵۰ و با پیدایش رنگ در صنعت سینما، سینمای هند قدری از مسائل جدی فاصله گرفت و به موضوعات تخیلی تر پرداخت. این گرایش منجر به ساختن فیلمهای عاشقانه که در فضاهای زیبای کشمیر و شهرهای تپه ماهوری نظیر دارجلینگ می‌گذشت، گردید. ساتیاجیت رای فیلمساز مشهور هند، از درون چنین زمینه‌ای ظهور کرد.

رای در سال ۱۹۲۱ در یک خانواده فرهیخته بنگالی به دنیا آمد. وی در دوران اولیه زندگی تحت تأثیر شاعر بزرگ هند راابند رانات تاگور و پدر خودش سوکومار نویسنده برجسته بنگالی بود.



۱۹۶۱ مؤسسه فیلم هند در پونا تأسیس شد. فارغ‌التحصیلان این مؤسسه طوری تربیت شدند که نمی‌توانستند بطور درست تسلیم راه و روش‌های جا افتاده باشند، بلکه به دنبال شیوه‌ای نوین بودند. شرکت سرمایه‌گذاری فیلم که بعداً در سازمان گسترش سینما ادغام شد، از این حرکت جدید در سینما حمایت کرد. این سازمان در اواخر دهه ۱۹۶۰ موفقیت‌های سینمایی فراوان کسب کرد که فیلم مرینال سن به نام آقای شومه (۱۹۶۹) اولین آنها بود. این فیلم ماجرای برخورد یک بوروکرات ستمگر با یک دختر دهاتی پرچوش و فروش است. دو تن از اصیل‌ترین استعداد‌های سینمای هند که از مؤسسه فیلم پونا فارغ‌التحصیل شدند، مانی کائول (با فیلم نان روز، ۱۹۷۰) و کومارشانی (با فیلم آئینه توهّم، ۱۹۷۲) هستند که هر دو از واردشدن به سینمای بازاری پرهیز کرده‌اند و با اینکه اغلب از آنها با عنوان سازندگان



در اواخر دهه ۱۹۶۰ و طی دهه ۱۹۷۰، به دنبال تماس روزافزون فیلمسازان هندی با هنرمندان و کارگردانان خارجی، سینمای هند دگرگون شد. برای مثال رای و بیمال روی هر دو تحت تأثیر سینمای نئورئالیسم ایتالیا قرار گرفتند.

همچنین نیاز به تأسیس نهادهای که دانشجویان بتوانند در آن تعلیم فیلمسازی ببینند هر چه بیشتر احساس می‌شد. بدنبال این نیاز بود که در سال

دارمندا، هنرپیشه‌ای که مدت ۲۵ سال به ایفای نقش‌های برجسته در سینمای تجاری هند پرداخته است. سمت چپ: صحنه‌ای از فیلم شهبانو رزیا که شرحی است درباره زندگی ملکه رزیا از سلسله شاهان دهلی که قبل از حمله مغول در اوایل قرن شانزدهم در شمال هند فرمانروائی داشتند.

صحنه‌ای از فیلم لرزش (۱۹۸۲) ساخته کومارشانی. شهبانی همراه با مانی کائول آغازگر سینمای تجربی هند بودند.



صحنه‌ای از فیلم روزهای آرام (۱۹۷۹) ساخته مرینال سن. فیلمهای سن از آثار فیلمساز معاصر او ساتیاجیت رای، سیاسی‌تر است. مرینال سن را «فیلمسازی متعهد» می‌دانند.

هنگامی که زنان رنوار فرانسوی فیلم رودخانه را در کلکته کارگردانی می‌کرد ساتیاجیت رای با او آشنا شد. رنوار، رای را به ساختن فیلم تشویق کرد و رای به ساختن فیلم پاترپانچالی (ترانه جاده، ۱۹۵۵) پرداخت. این فیلم اولین فیلم او از مجموعه سه‌گانه‌ای بنام آبو (دنیای آبو) بود که بر اساس داستانهای نویسنده بنگالی بیوتی بوشان ساخته شد. رای این فیلم را با بودجه بسیار کمی ساخت. این فیلم در جشنواره ۱۹۵۶ کان عنوان «بهترین سند نمایشی بشری» را به خود اختصاص داد.

آثار رای به سینمای هند اعتباری جهانی بخشید. مجموعه سه‌گانه آبو، مهانانگار (شهر بزرگ ۱۹۶۳) و چارولانا (۱۹۶۴) در سطح شاهکار هستند. فیلمساز دیگر بنگالی ریتویک گهاتاک نیز از فیلمسازان سابقه به شمار می‌آید. فیلم آجاتریک (آدم ماسینی، ۱۹۵۸) شرح رابطه یک راننده تاکسی با ابوطیاره اش، و فیلم ستاره پنهان (۱۹۶۰)، آثاری ارزنده درباره زندگی پرخشونت در بنگال شرقی است.

مرینال سن نیز همچون رای، در نهضت سینمایی کلکته پرورش یافت. سن که تحت تأثیر سینمای کلاسیک قرار داشت، فیلمهای انتهای شب (۱۹۵۶) و زیر آسمان کبود (۱۹۵۸) را ساخت. یکی از فیلمهایش بنام باشری شروانا (روز نامزدی ۱۹۵۸) در جشنواره ونیز با استقبال خوبی روبرو شد.

فیلمهای «غیرقابل فهم» یادشده از روش خود دست برداشته و شگردهای روایی جدیدی در سینما باب کرده‌اند.

گرایش دیگری نیز در سینمای هند پیدا شد که عموماً نام «سینمای میانه رو» به آن داده‌اند و موضوعاتش اغلب ظلم و ستم رایج در روستاها و حقه‌بازی‌های سیاسی است. چهره‌های برجسته این گرایش شیام بنگال (سازنده فیلم نهال، ۱۹۷۴) و گوویندنیهالانی (سازنده آورده ساتیا) هستند. کتان مهتا (سازنده فیلم داستان سنتی، ۱۹۸۰)، سعیدمیرزا (سازنده چیزی که آلبرت پینتورا خشمگین می‌کند، ۱۹۸۰) و کندان شاه (سازنده جانان بهی دویارو) از امیدهای فیلمسازی در هند هستند. آثار اینان التقاطی، بویا و پر از ابداعات است و موضوعاتی از مشکل مسکن و موضوعات مربوط به نظام کاست گرفته تا رشوه‌گیریهای دولتی را در برمی‌گیرد.

در سالهای اخیر نهضت فردگرایانه عمیقی به رهبری گ. آراویندان و آدور گوپالاک ریشنان، در ناحیه کراالا در جنوب هند پرا افشاده است. فیلمهای چادر سیرک (۱۹۷۸)، چیدامبارام و اوردیتات، ساخته آراویندان و انتخاب شخصی

(۱۹۷۲)، صعورد (۱۹۷۷) و موخاموخام، ساخته گوپالاک ریشنان که طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ساخته شده‌اند این دو کارگردان را به شهرت رساندند. فیلمهای مذکور حساسیت سازندگان را

ساتیاجیت رای در جریان فیلمبرداری سوکومار رای در ۱۹۸۷ در کلکته. رای که سال گذشته به ۶۷ سالگی رسید، پس از مدتی که به سبب بیماری مجبور به کناره‌گیری از کار شده بود دوباره آغاز به کار کرده است.



رگها، رقاص قابل و کلاسیک هند و یکی از محبوبترین چهره‌های سینمای امروز هند.

به شرایط اجتماعی حاکم در کراالا نشان می‌دهد ■
 خالد محمد منتقد سینمایی نشریه تایمز آو ایندیاست و هم‌اکنون مشغول تهیه سریالی تلویزیونی درباره فیلمسازان مهم هند است.

ترجمه حمیدالدین صفائی

